

پزشکیان در جلسه ستاد اربعین:

نارضایتی مردم

در سیستم اداری پذیرفته نیست

او با تاکید بر اینکه باید شرایطی را مهیا کنیم تا مردم با عشق و علاقه و بدون مشکل به زیارت اربعین بروند، بیان کرد: «آن چیزی که ما به آن اعتقاد داریم این است که با هماهنگی بتوانیم کاری کنیم که برای مردم عزیزی که در این مسیر با عشق و علاقه می‌خواهند به زیارت بروند، مشکلی پیش نیاید، هیچ چیزی به

گروه خبر: روز گذشته نخستین نشست ستاد اربعین در دولت چهاردهم با حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و رؤسا و نمایندگان دستگاه‌های عضو برگزار شد. پزشکیان از همه دستگاه‌های خدمت‌رسان در سراسر کشور خواست به وعده‌های خود در خدمت به زائران حسینی عمل کنند.



عکس: president.ir

چرا مشروطه ایرانی شکست نخورده است؟

بازخوانی رخدادهای جنبش مشروطه با نگاهی به ناکامی‌ها و کام‌یابی‌ها در ۱۱۸ سالگی آن

صدر اعظم (عین‌الدوله) شکایت می‌کنند. به بیان دیگر از یک مقام اجرایی به مقام بالاتر اجرایی و نصب‌کننده او نه به مرجع مستقل قضایی یا دستگاه عدلیه یا محکمه، چرا؟ چون تفکیک قوا و دستگاه مستقل قضا وجود نداشت اما همین راهم صدر اعظم برنافت و گفت: «این لوطی بازی‌های دیگر چیست؟ هفتان ر می‌گذارم در دهانه توپ. بروید دنبال کارتان!»

از آن سوریست گمرک «اممالک محروسه» هم با «مسیونوز» بلژیکی بود و نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند با او در بیفتند. هم او که از بین کلمات فارسی که آموخته بود از همه بیشتر به «پدرسوخته» علاقه داشت و در این فقره هم بازرگانان مسلمان و معتزض را با این لفظ عتاب و خطاب کرد: پدر سوخته‌ها! داستان اما به اینجا محدود نمی‌ماند و تبعاتی داشته است و مهمترین آنها هم اینکه در پی افزایش حقوق گمرکی، قند هم طبعاً گران می‌شود چون کالایی وارداتی بود.

گوش علاء‌الدوله -حاکم تهران- اما بدهکار این واقعیت یا قادر به درک آن نبود و می‌پنداشت با دستور و فرمان می‌تواند امور را به سامان کند، پس به بازرگانان دستور داد قیمت قند را به قبل بازگردانند! آنها هم متقابلاً گفتند ما هم نزد صدر اعظم رقتیم و همین را گفتیم و همدار دادیم با افزایش حقوق گمرکی قیمت برخی اقلام افزایش می‌یابد و از جمله قند ولی او مسسیونوز حمایت کرد و توضیح دادیم نمی‌توانیم قیمت را کاهش دهیم چون حقوق گمرکی بالا رفته است. مقام اجرایی اما در جایگاه قاضی نشسته بود و دستور داد و حکم صادر کرد چند نفر از بازرگانان را بیاورند و به جرم گران فروختن قند «چوب برزند» تا قند ارزان شود!

چنین رفتاری با تاجر معتمد بازار، بازرگانان را به خشم آورد. گفته شد دستگاه مستقل قضایی و مرجع دیگر برای طرح شکایت هم در کار نبود، پس، از سر ناچاری دوباره سراغ مقام بالاتر می‌روند که البته همان صدر اعظم بود!

این حکایت می‌تواند نشان‌گر وضع پیشامشروطه و قبل از شکل‌گیری رابطه ملت-دولت باشد. پاسخ عین‌الدوله از این منظر قابل تأمل است:

«من اجازه داده بودم، حدی مداخله در کار حاکم منصب من را ندارید!» گفتیم پشت صحنه مسسیونوز بلژیکی بود که ریاست گمرکات را در اختیار داشت. او از تحقیر مخالفان به و جد می‌آید و گستاخ می‌شود. در پی آن عکسی از او انتشار می‌یابد در لباسی شبیه روحانیون با دستار و ردا و در حال کشیدن قلیان.

▼ تحصن در حرم

از اینجا به بعد دامنه اعتراضات از بازرگانان فراتر می‌رود و به مردم عادی هم تسری می‌یابد و در پی آن سه گروه در سه محل متحصن می‌شوند: مسجد شاه، مسجد جامع و زاویه حضرت عبدالعظیم.

نکته در خور توجه اینکه خواست تحصن کنندگان از تنبیه رئیس گمرک یا بحث قیمت قند فراتر می‌رود و خواست‌های جدی‌تری مطرح می‌کنند: «محدود کردن دایره اختیار سلطنت و تأسیس عدالت‌خانه.»

اتفاق شگرفی رخ داده بود. چون برای اولین بار مردمان عادی سخن روشن‌فکران را تکرار می‌کردند؛ انگار «رساله‌ی مجدیبه» را خوانده بودند!

در ساختاری استبدادی رفتار بعدی حاکمان قابل حدس است. در اینجا هم به دستور عین‌الدوله گروهی از اوایش اجیر می‌شوند تا با چوب و چماق به جان متحصنین بیفتند.

به قول ناظم الاسلام کرمانی چون عین‌الدوله «گرم عروس تازه خود- دختر مظفر الدین شاه» بود لابد با خود می‌گفت وقتی شکایت از علاء‌الدوله را نزد من

مهررداد خدیر
معاون سرمدبیر

در یکصد و هجدهمین سالگرد صدور فرمان مشروطه یا پیروزی جنبش یا انقلاب مشروطه همچنان این پرسش قابل طرح است که «مشروطه ایرانی کام‌یاب شد یا نه.»

از عادات ما ایرانیان است که زود احساس سر خوردگی می‌کنیم و می‌پنداریم که اگر تمام اهداف مورد نظر محقق نشد یا با آنچه در آغاز تصور می‌کردیم فاصله داشت، به معنی آن است که دستاوردی فراچنگ نیامده و تمامت آن ناکام بوده است. حال آنکه در سرزمین‌ها و تجربه‌های دیگر بشری نیز دستاوردها به یکباره حاصل نیامده است.

با این نگاه پاسخ پرسش صدر این نوشته صریح و روشن چنین است: «مشروطه ایرانی شکست نخورده است.»

حتی ظهور رضاخان و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ هم را نباید به مثابه شکست مشروطه به مفهوم مطلق کلمه دانست یا در روزگار مآتقلای اندیشه‌ای که در صد بار با گذشت به پیشامشروطه و ترویج آرای شیخ دشمن مشروطه است. درست است که مهم‌ترین هدف مشروطه تأسیس عدالت‌خانه و ایفای نقش پارلمان در عرصه سیاست و مشروط کردن قدرت بوده و جز در مقطعی در بقیه مواقع دچار اختلال بوده اما رابطه ملت-دولت در دنیای مدرن بعد از مشروطه شکل گرفته و هیچ‌گاه در این ۱۱۸ سال به وضعیت پیشامشروطه بازنگشته است. با این نگاه چگونه می‌توان ادعا کرد مشروطه ایرانی به صورت مطلق شکست خورده است؟

بخشی از این تلقی یا القا از ناحیه مخالفان مشروطه و قائلان به مشروطه مشروطه یا مشروطه مشتمله بوده و سند آن را به دار آویختن شیخ فضل‌الله نوری در همین مردامه و سه سال بعد از پیروزی مشروطه می‌دانند و البته نمی‌گویند حکم دادگاه را شیخ ابراهیم زنجانی صادر کرد که هم لباس او بود. بعضی هم به روی کار آمدن رضاخان استناد می‌کنند و باز نمی‌گویند در سیاه‌ترین سال‌های آن دوران از حیث استبداد باز هم مجلسی در کار بود و نهایتاً همان پارلمان به کار آمد و انتقال سلطنت را سامان داد. یا به پاره‌ای اندیشه‌های ضد جمهوری که از هر گاهی می‌شنویم که نسبتی با حق‌رأی‌زنان یا حق انتخاب مردمان ندارد.

با این همه وقتی می‌توانیم مدعی یا سرخوردۀ شکست مشروطه شویم که هیچ دستاوردی را نتوان بر آن برشمرد حال آن که هیچ‌گاه چنین نبوده است. آرتور کوستلر در «خواب‌گردها» می‌نویسد: «ما تنها می‌توانیم به دانایی خود بی‌افزاییم اما نمی‌توانیم از آن بکاهیم.» پس اگر انقلاب مشروطیت بر آگاهی‌های ما افزوده به بار نشسته است ولو تمام اهداف آن محقق نشده باشد و مگر نیافروده و چه کسی می‌تواند ادعا کند ایرانی پسامشروطه چون ایرانی پیشامشروطه است و جهان را از همان چشمی می‌نگرد؟ همچنین جادارد از حیث فرم و مناسبات اداری هم به یاد آوریم که نطفه اعتراضات منجر به مشروطه چگونه بسته شد.

▼ شروع ماجرا

ماجرا از این قرار بود که در پی افزایش حقوق گمرکی، باجران تهران به

تحقق ملت - دولت مقصود نهایی انقلاب مشروطیت

دولت را به مثابه پایان دین و دینداری به حساب آوردند و در «کمال غیرت» به مشروطه و مشروطه‌خواهی اعلان جنگ دادند. برخی از بلندپایگان دینی بخصوص میرزای نائینی و آخوند خراسانی، اما به فراست دریافتند که ادامه سنت سیاسی گذشته، فاجعه‌آمیز است و باید تلاطمی در فهم ایستای شریعت‌گرایانه از دین ایجاد کرد. از این رو بخصوص میرزای نائینی دست به قلم شد تا مشروطیت را توجیه شرعی و فقهی کند. کار میرزای نائینی قدمی بزرگ به پیش بود، زیرا او منطقه‌الفرع را ترسیم کرد که جایی هم برای اصول مشروطیت و هم مبانی دینات باقی می‌گذاشت. با این همه، کار او نیازمند تلاوهی بود که تمام وجوه مشروطیت به معنای تمنای تحقق تمام وجوه دولت-ملت را با دینات و شریعت سازگار کند و این جز از راه فراتر نواز دین که در بستر اجتماع و نهادهای مدنی بی‌بالد و خودامنشاً مشروعبیت قدرت دولتی به حساب نیاید، ممکن نبود.

به هر حال، با انواع فداکاری‌ها، فرمان مشروطیت صادر و قانون اساسی آن نوشته و دارالشورای ملی تأسیس شد. در آن میان، افرادی که توان فکری و ظرفیت عملی تجمیع آزادی و حفظ نظم و انضباط را نداشتند، کار را به هر جرح و مرجح وی نظمی کشاندند. زور آغاز شد و سرکوب بی‌رحمانه در پی آن آمد. دارالشورای ملی به توپ بسته شد و خون‌های بسیاری به زمین ریخت. بهرغم این، استبداد صغیری که پس از سرکوب مشروطه‌خواهان مستقر شده بود، بیش از دو سال دوام نیابد و باز با فداکاری‌های بسیار، تهران توسط مشروطه‌خواهان فتح شد. پس از آن باز تعجیل و تعصب و ناکاردانی زیاد خواهی و بدبباری بین المللی، مانع از آن شد که دولتی مقتدر و مشروطه و کارا شکل گیرد. نتیجه‌اش، بالاگرفتن اختلافات و هر جرح و مرجح و ناملنی اجتماعی و بی‌ثباتی دولت‌ها بود. از فتح تهران در سال ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۹ شمسی، قریب ۳۰ کابینه آمدند و رفتند که عمر برخی از آنها به دو-سه ماه هم نکشید!

در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن، دولت مرکزی چنان ضعیف و ناتوان و ناکارآمد شد که مدعیان محلی در هر نقطه از کشور سر برداشتند. کشور چون کرباسی از هر سودریده می‌شد تا آنکه ضرورت ظهور دولت مقتدر مرکزی به دلایل داخلی و بین‌المللی پیش آمد که نتیجه‌اش به قدرت رسیدن رضاشاه بود.

رضاشاه، بخشی از جنبه‌های عینی ملت-دولت را تحقق بخشید، اما جنبه‌های ذهنی آن را پایه ساخت. داستان به گونه‌ای پیش رفت که در دهه‌های بعد، سنت نظری و اندیشگی مشروطیت در سایه هجوم ایدئولوژی‌های رنگارنگ، رنگ باخت و اصل ماجرای معضل سیاسی پایدار ایران، در برین کنشگران سیاسی و بخشی از روشنفکران و حامیان سنت به تصرف قدرت و سلطه در دستگاه دولت به عنوان تنها راه غلبه بر تضادها و عقبنماندگی‌ها تقلیل یافت. ماجرا نهایتاً به انقلاب سال ۵۷ ختم شد؛ انقلابی که پاره‌ای ضرورت‌های ملت-دولت را در عمل پذیرفت اما به لحاظ نظری، نیروی در درون آن پرورش یافت که دغدغه اصلی‌اش، گذر از نظام حقوقی مبتنی بر تابعیت و حق شهروندی به نظام حقوقی مبتنی بر شریعت آن هم با فراتر ایستاد از آن شد. بدین ترتیب، تناقض‌ها و توسعه‌نیافتگی‌ها صورت پیچیده‌تری به خود گرفت تا جایی که امروزه، سطحی‌ترین شعارزدگی تاریخی از هر سوبه گفتمان مسلط سیاسی ایران تبدیل شده است. راه چاره، بازگشت به پرسش‌های عصر مشروطیت، تبیین دقیق آنها با تکیه بر تجربه ۱۳۸ سال اخیر و جست‌وجوی راهی معقول و منسجم به شیوه‌ای است که میرزای نائینی نخستین نهال آن را کاشت اما در همان ابتدا پژمرده و بارور نشد. جز این، برای قرنی دیگر دور سر خود خواهیم چرخید و درگیر انواع معضلات خواهیم بود!

هشدار سفارت ایران در بیروت:

دستی که به سمت لبنان دراز شود، قطع خواهد شد

از نیروهای ارتش اشغالگر صهیونیستی زخمی شدند. خبرنگار الجزیره در لبنان در آن مقطع اعلام کرد که درگیری‌ها میان دو طرف پس از آن آغاز شد که یک خودرو گشتی نظامی ارتش رژیم صهیونیستی وارد خاک لبنان شد و در مقابل ارتش لبنان برای مقابله با آن شروع به شلیک آتش کرد. برخی از ساکنان

شهرک‌های لبنانی اظهار کردند که از بلندگوهای در آن سوی مرزها در فلسطین اشغالی شنیدند که ارتش اشغالگر از ارتش لبنان درخواست کرده برای بازگرداندن زخمی‌هایش از میدان درگیری، شلیک‌ها را متوقف کند. خبرنگار الجزیره گفت: «ارتش اسرائیل قصد داشته دوربینی را برای رصد مرزهای لبنان نصب کند که ارتش لبنان مانع آن‌ها شده و شروع به تیرهای هشدار کرده و در ادامه درگیری‌ها میان ۲ طرف آغاز شدند.»

«میشل سلیمان» رئیس‌جمهور وقت لبنان این حمله رژیم صهیونیستی را محکوم کرد و آن را به منزله نقض قطعنامه شماره ۱۷۰۱ سازمان ملل دانست.

احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم‌میهن

احصاء ما ایرانیان در عصر مشروطیت، طرحی در انداختند که ابعاد نظری آن برای‌شان چندان شفاف و روشن نبود و ابعاد عملی آن هم از دسترس آنان فاصله داشت. اگر در یک عبارت بتوان هدف از نهضت مشروطه را خلاصه کرد، در واقع حرکتی فکری و عملی برای تحقق جنبه‌های مختلف «ملت-دولت» در ایران بود. «ملت-دولت» مهمترین دستاورد حقوقی و تأسیسی عصر روشنگری و دوران مدرن در صحنه عالم است و از همین رو بسیاری از تحولات ذهنی و عینی زندگی نوع بشر در چند صد سال اخیر، از آن مایه و نشأت گرفته است.

پیش از تشکیل ملت-دولت به عنوان واحد سیاسی صاحب حاکمیت بر قلمرو سرزمینی و مردم خویش، حقوق داخلی و بین‌المللی در مراکز تمدنی زمین به جز دوره‌های کوتاهی، منبعث از نظامات شرعی و دینی بود که نه با «شهروند» که با «اهل ایمان» سر و کار داشت. در دوران «پیشاملت-دولت» نه مفهوم شهروندی در جوامع مختلف رایج بود و نه چیزی تحت عنوان «حقوق برابر» برای آنها رسمیت داشت.

از همین رو، حقوق و امتیازات افراد تحت قلمرو، براساس نوع ایمان آنان تقسیم می‌شد و به این دلیل خط‌کشی و تبعیض بین این افراد، امری مرسوم و «عادلاانه» به شمار می‌رفت. در حقیقت، تأسیس ملت-دولت که با پیمان وستفالی در میانه قرن ۱۷ میلادی نقطه‌اش بسته شد و سپس به مرور زمان، تکامل و توسعه یافت و جهان شمول شد، یک انقلاب حقوقی در روند زندگی نوع بشر بود. این انقلاب به واقع چیزی جز، تبدیل نظام حقوقی مبتنی بر شریعت به نظام حقوقی

مبتنی بر حق تابعیت یا شهروندی نبود. همین یک جمله، عوارض و پیامدهای بی‌شماری به دنبال دارد و نظامی تازه از مفاهیم فلسفی و سیاسی و حقوقی را خلق می‌کند. به عبارت دیگر، در چارچوب مفهوم ملت- دولت، مفاهیمی چون مشروعیت، تابعیت، حاکمیت، ملیت، قانون، عرف، وطن، سرزمین ملی، شهروند، حقوق برابر، برابری حقوقی، وفاداری، رفاه عمومی، آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی عبادت، حق نمایندگی، انتخابات دموکراسی، قوای سه‌گانه، تفکیک قوا، جنگ آزادی‌بخش، خطوط مرزی، امنیت ملی، منافع ملی، ارتش ملی، شناسنامه، پاسپورت و پدیده‌هایی از این قبیل پدید آمدند و یا

نسبت به دوران قبل از آن، معانی تازه‌ای پیدا کردند. به سخن دیگر، نیاکان مادر عصر مشروطیت، عمدتاً به طور غریزی، فقدان دستگاهی منضبط و منسجم از این مفاهیم را مشکل اصلی فراروی جامعه ایرانی می‌دانستند و در طلب آن بودند. با این همه، امروزه روشن است که این دستگاه مفاهیم برای آنها از وضوح و شفافیت نظری لازم بر خوردار نبوده و بنا به سطح دانش و اندیشه‌نخبگان آن روزگار به دلیل انحطاط و انسدادی چند قرنه، امکان وضوح و جمع‌بندی روشن را نداشته

است. از این رو، هر کنشگر فکری یا سیاسی، یکی از این مفاهیم تبعی را مفهوم پایه دانسته و تحقق آن را نقطه آغاز واقعی و مشکل‌گشای نهایی فرض کرده و بر آن پای فشرده است. در عین حال، نسبت ملت-دولت با نظام حقوقی شرع نیز به عنوان معضلی سخت‌سنگین و گران، گریبانگیر هر یک از آنان شده به گونه‌ای که از تبیین درست

و معقول صورت مسئله بازمانند و نسبت به اغراض و اهداف یکدیگر چنان بدبین و بدگمان شدند که به دشمنی با هم بر خاستند و خون یکدیگر را به ناحق ریختند. در آن میان، برخی چنان شیفته فهم ایستا و منجمد خود از شریعت و دینات بودند که تحقق هر یک از وجوه ملت

گروه خبر: سفارت ایران در بیروت به طرف‌هایی که بخواهند لبنان را مورد تعرض قرار دهند، شدیداً هشدار داد. به گزارش ایسنا، سفارت ایران در بیروت روز شنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد، «مقابله دلاورانه افسران و سربازان ارتش لبنان در شهرک

العدیسه جنوبی در تاریخ سوم اوت سال ۲۰۱۰ مایه مباحثات بوده و به منزله تثبیت معادله تللایی برای حفاظت از مرزها با جان‌فشان‌هاست.» این سفارتخانه در ادامه بیانیه خود آورده است: «این اتفاق در واقع هشدار دوپاره برای کسانی است که جرأت تعرض به هر وجب از خاک لبنان را به خود بدهند چرا که سراسر لبنان هرگز با چنین چیزی مسامحه نخواهد کرد و دستی که به سمت این کشور دراز شود، قطع خواهد شد». در جریان درگیری‌هایی که ظهر روز سوم اوت سال ۲۰۱۰ میان نیروهای ارتش لبنان و ارتش رژیم صهیونیستی در مرزها شکل گرفت، سه سرباز لبنانی شهید و چهار نفر دیگر و یک برنظامی لبنانی زخمی شدند و در طرف مقابل نیز دستکم سه نفر



ادامه سر مقاله

مشابه این نوع اتهامات قبلاً هم به ایران می‌زدند ولی چون ایران مسئولیت چنین اتهامی را قبول نداشت، آنان هم به طبع حق نداشتند که آن اقدامات را به لحاظ حقوقی متوجه ایران کنند. اتفاقات فراوان در اسرائیل و اروپا و لبنان و عراق و ... جاهای دیگری رخ می‌داد که از نظر آنان اتهام متوجه حمایت‌های ایران از نیروهای منطقه‌ای بود حتی هم‌اکنون هم در بین و عراق و لبنان و فلسطین چنین ادعاهایی دارند ولی همه این اتهامات سیاسی است و اعتبار حقوقی ندارد. ترور سردار سلیمانی هم به این دلیل با پاسخ مستقیم همراه شد که آمریکایی‌ها مسئولیت آن را پذیرفتند و الا در همان مورد هم پاسخ مستقیم به آمریکاد عرف بین‌المللی محل سوال بود.

اکنون نیز رژیم اسرائیل مسئولیت پذیرفته و در عین حال ایران هم می‌داند که هیچ دستی جز دست‌ان تنبیه‌ی پشت این اقدام نیست. از این نظر باید واکنشی متناسب و از نوع همین اقدام را داشته باشد که فاقد تبعات حقوقی باشد و حتی نیازی به پذیرش مسئولیت آن هم نیست. زمان و مکان آن راهم ایران باید تعیین کند. در دادن پاسخ تردیدی نیست ولی نسبت به نوع اقدام و زمان و مکان آن و رعایت تبعات سیاسی و حقوقی آن باید دقت کرد و به مسئولین کشور اعتماد نمود و اطمینان داشت که در هر صورت تصمیم بهتری از آنچه در فضای عمومی می‌گذرد خواهند گرفت. اعتماد ما هنر نه تصمیم‌گیری را کاهش خواهد داد.